

روشهای تدریس

ما ضمن معرفی دو تا الگو که اشاره کردیم هر کدام ویژگی خاص خودشان را ندارند و هر کدام معایب و محاسن خاص خود را دارند.

الگوی پیش سازمان یافته معلم مدار است. و شاگردان چندان اختیاری ندارند معمولاً بچه ها ردیف می نشینند.

تعامل در کلاس کم و منبع محدود است. در الگو دوم این محدودیت در تعامل وجود

داشت روش و متولوژی یاد می گرفتند، ولی گفتید، زمان جاز اهمیت است و مهارت

معلم خیلی مهم اس و نمی شود خیلی افقی در سطح و وسیع روی اطلاعات و در

خصوص یک موضوع کار کرد. حالا من نمی خواهم اینجا تفکیک کنم ولی اشاره

می کنیم. فلان روش مربوط به کجاست؟

ولی بعضی از روشها چون زمان محدود است. ما بعضی از روشها را که در هر یک این

الگوها جای می گیرند بررسی می کنیم.

اولین روشی را که در قالب و چارچوب الگوی پیش سازمان دهنده می تواند مؤثر و

مطرح باشد روش سخنرانی است، روش سخنرانی چه موقعی است که من می خواهم

یک موضوع علمی را می خواهم با بیان شفاهی در یک جمع دانش آموزان در یک

جمع دانش آموز در کلاس مطرح کنم و در این زمینه و برای این روش نقد بسیاری شده است.

چه مثبت و چه منفی :

چه مثبت و چه منفی و بعضی می گویند شاگرد منفعل. معلم فعال بعضی می گویند نه خیر آنهایی که می گویند شاگرد منفعل است. خودشان توانایی تدریس را ندارند. مخصوصاً یکی از علماء، در کتاب خود این را مطرح می کند مخصوصاً یکی از روانشناسان معاصر آقای دیج و بن لاینر در کتاب خود اشاره می کند.

از شاگردان می پرسد؟ اگر در کلاس تعداد دانش آموز (۴۰) نفر یا بیش از چهل نفر باشد چه روشی بکار می گیری. و بعد می گوید اگر دانشجویی؟؟؟ غیر از روش سخنرانی بگوید می گویم اشتباه می کنی.

روش سخنرانی چیست و ما چه کار باید بکنیم

واقعیت این است که برای هر روشی اشاره کردیم که روش تجویزی اند. از یک موقعیت به موقعیت و از درس به درس دیگر فرق می کند. حتی از یک شاگرد به شاگرد و طیف دیگر. بنابراین ما باید دقت کنید در کجا روش سخنرانی را بکار ببریم.

کلاسهای پرجمعیت، مباحثی نظری، مباحثی که ما هنوز ما نباید جدید و مکتوب نداریم و فیلم تهیه نشده است.

واقعیت دیگر این است که علی‌رغم اینکه برخی از روانشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت با روش سخنرانی مخالفند وی من به جرأت می‌گویم.

۵۰ درصد فعالیت دنیا را در سیستم اکادمیک و مدرسه این روش. حداقل بصورت

ترکیبی این روش وجود دارد. به همین دلیل یک مروری بر این روش خواهیم کرد تا

بینم مراحل اجرایی این روش چیست؟

مرحله اول: مرحله آمادگی است همین جور وارد کلاس شدن هر چه دل آدم بخواهد

صحبت کند بدون منابع بدون مآخذ معتبر سخنرانی نیست.

بنابراین اگر معلم تصمیم بگیرد از شیوه - سخنرانی استفاده کند اولین فکری که به

ذهنش می‌رسد این است که آیا آمادگی علم و مطالعه لازم را دارد.

آیا زمان برای کسب اطلاعات جدید دارد یا نه

اگر نتوانند مطالب جدید جمع‌آوری کند یا بقول سورونلایت، اگر مفاهیم او از تازگی

برخوردار نباشد اثر خود را از دست می‌دهد بنابراین فرد باید آماده باشد از نظر

اطلاعات.

گام دوم: آمادگی عاطفی است:

آمادگی عاطفی کی پیش می آید. وقتی من می خواهم وارد کلاس بشوم ، نمی دانم عزیزان هیچ موقع اولین بار سخنرانی کردند . ممکن است آدم تعادل خود را از دست بدهد. ضربان قلب زیاد شو د.

ولی این حالتهای عاطفی باید کاملاً راحت باشد . حالا چه کار کنیم که این آمادگی را بدست آوریم . این نیاز به تمرین و تکرار دارد در کلاسهای مختلف کم کم فرد آن حالت عاطفی را بدست می آورد.

ولی اگر خیلی مبتدی است بعضی ها راههایی را پیشنهاد می کنند . مثلاً شما می توانید برای دوستان خود همین مبحث را برایشان سخنرانی کنید. آنها سربه سرتان ه می گذارند و شوخی می کنند.

آیا می توانید در این کش و قوس این تعامل موفق بیرون بیاید یا نه و بعد می توانید وارد جمع شوید و سخنرانی کنید بعد سخنرانی خود را ضبط کنید. بعد خود شنوده خودتان باشید .

آیا درست مطرح کردید منظم بود یا نه و حتی بعضیها توصیه می کنند جلوی آینه بایستید و سخنرانی خود را ببینید ولی من توصیه نمی کنم اگر والدین ببینند نگران می شوند ولی این تمرین بسیار مؤثر است . ضبط کردن صدا و خود گوش دادن یا آن شکل خود را در آینه دیدن تنها کلمات نیست بلکه حرکات من و نحوه و ایستادن من همه می تواند در انتقال معنا کمک کنند.

این مرحله آمادگی عاطفی، آمادگی تجهیزاتی :

من اگر بخواهم سخنرانی کنم امکانات می خواهم . تخته می خواهم . میکروفون می خواهم . باید این تجهیزات برایم فراهم باشد و گرنه ارتباط من با مخاطبم صورت نمی گیرد.

این مرحله آمادگی است که هنوز وارد کلاس نشدم :

اما مرحله دوم ، مقدمه سخنرانی :

من وارد کلاس شدم . آیا بلافاصله باید به ارائه محتوا بپردازم . بعضی ها می گویند خیر . اولن گام این است که رابط برقرار کنم با شاگرد . این هم نمی شود دستور العمل از قبل نوشت که چه چیزی ارتباط برقرار کرد شما روحیه بچه ها را می شناسید .

یک معلم بایک طنز با یک جمله یا سؤال ارتباطی را بین خود و بچه ها برقرار میکند.

چرا؟

بچه ها که از بیرون می آیند و یا در جمع نشستند ممکن است هنوز تمرکز گوش کردن به حرفهای شما را نداشته باشند .

این ارتباط ایجاد رابطه می تواند موضوعی خیلی کوتاه ولی خارج از بحث باشد ولی این ارتباط باید صورت گیرد.

توجه شاگردان به موضوع بسیار مهم است که من علایق و رغبت بچه ها را بشناسم.

بعضی از این سیاستمداران دنیا گاهی می گویند هیتلر سخنان خوبی بود . روحیه

روانشناختی خوب دارند. اوایل بحث دو سه جمله را اصلاح می کنند می بینند کجاها

مردم دست می گذارند. متوجه می شدند این برایتان حائز اهمیت شروع می کنند در آن

زمینه بحث کردن، در کلاس درس هم معلم باید روحیه بچه ها را بشناسد.

در چه زمینه هایی بچه حتی در آن خاص به چه نوع بحثی بیشتر علاقه مند جهت گیری

کند در آن زمینه و ایجاد انگیزه با سؤال با مسائل مختلف .

بیان صریح هدفها و توصیه می کنم از اول به بچه ها بگویید هدفتان چیست؟ بعد از پایان

سخنرانی چه انتظاری از آنها دارید، چه مطالبی را باید نتیجه گیری بکنند.

استفاده از پس سازمان دهندهایی که اشاره کردم می تواند به شما کمک کند از همین

جلب توجه و مخصوصاً پیش آزمون .

مثلاً در یک سخنرانی دو ساعت اول من ممکن است ۵ دقیقه اول برای جلب نظر

دانش آموزان سؤالاتی را برای بچه ها مطرح می کنم . بچه ها یک ربع به شما فرصت

می دهم که فکر کنید و به این سؤالات پاسخ دهید. بعد می گویند استاد ما انیها را

نخوانده ایم نمی توانیم به اینها جواب بدهیم . همینجا به عنوان یک انگیزه اشکال ندارد

این سؤال پیش شما باشد . بحث امروز من درباره این سؤالات است . شما اگر دقت کنید به بحث و صحبت های من می توانید اینها را بعداً بنویسید این که انگیزه ایجاد می کند . سؤالات را نگه می دارد در پایان اینها را جواب می دهم . هم به عنوان ارزشیابی می توانم از آنها استفاده کنم و هم به عنوان یک محرک شیوه های است که هم می تواند استفاده کند . این مرحله مقدماتی است که من رابطه مطلوب را با شاگرد ایجاد کنم

در مرحله سوم ارائه متن سخنرانی است :

حالا می خواهم سخنرانی خود را شروع کنم چه کار باید کرد در سخنرانی چند نکته را باید خیلی توجه کرد که آن جامعه بودن محتوا است . در آن مقدمه اهداف را می گویم چه موضوعاتی را باید توجه کنید حالا در سخنرانی باید محتوایی را ارائه بدهم که دقیقاً تمام اهداف من را پوشاند . یعنی شاگرد احساس کند این سخنرانی تمام آن اهداف را پوشش داده و می تواند الان نتیجه گیری و بحث کند و می تواند پوشش بدهد به آن اهداف و احساس کند به آن اهداف رسیده است . دوم سازماندهی منطقی محتوا است . گاهی خودم برام پیش آمده درجایی سخنرانی کردم و بعد وقتی گوش دادم خنده ام گرفته .

جملات من مبتدا و خبر نداشت. شاید در همین برنامه احساس بکنید.

یا گاهی از ریل خارج می شود یک مرتبه در حین سخنرانی موضوعاتی مطرح می کند

که ربطی به موضوع سخنرانی نداشته این سازماندهی منطقی به من یاد می دهد چه

جوری رابطه کل با جزء، چه جوری اجزای را با هدف تطبیق دهم، چه جوری تسلسل

بدهم، چه جوری اگر بخوام یک سخنرانی مقایسه انجام بدهم هیچگونه این تضادها

و تشابهات را مطرح کنم مثل دانه های یک تسبیح یا زنجیر باید سخنرانی من پیوسته و

سازماندهس داشته باشند.

عزیزان می توانند در همین کتاب مهارتهای آموزشی انواع سازماندهی آموزش را در

آنجا مطالعه کنند.

باز نکته ای که در اینجا بعد از سازماندهی باید خیلی به آن توجه کنید استمرار

سازماندهی است .

ممکن است من به عنوان معلم در اول کلاس توجه شاگردان را جلب کنم . اما نتوانم

استمرار ببخشم و بعد از نیم ساعت بچه ها آن توجه لازم را نداشته باشد در استمرار

توجه چه کار باید بکنیم . حداقل توجه بچه ها را به سخنرانی جلب کنیم .

یکی از نکات تعبیر دادن محرک است. یعنی چه؟ مثلاً دیدید بعضی از بچه ها علاقه مند

به امتحان هستند معلم حتی به عنوان شوخی و واقعیت بگوید: بچه ها امروز ما مهم

است و ممکن است تعدادی از سؤالات پایان ترم از همین مبحث باشد.

شما همین جمله را در کلاس بگویید. یک مرتبه خود کارها درآمده و دارند یادداشت می کنند.

ارزشیابی یک محرک است

شما شناختی که از شاگرد خود دارید می توانید از محرکهای مختلفی استفاده کنید و محرکها را تغییر بدهید از یک محرک به محرک دیگر.

دوم کانالهایی ارتباطی آدم و قتی به یک سخنرانی بطور مدام گوش می دهید خسته می شود، گوش اشباح می شود. من به عنوان مفسران می توانم از یک تصویر و فیلم نمودار به تناسب؟؟ عوض کنم.

بلافاصله متن کانال را از گوش به چشم تغییر می دهم و همین امر آن حالت خستگی و یکنواختی را کاهش و یا حذف می کند.

فعالیت جسمی :

در یک نقطه و ایستادن و نگاه کردن به تعدادی از دانش آموز و گوشه‌ای از کلاس و با تن صدای یکنواخت مسلم است که این را از فضای فعالیت خارج می‌کند. معلم باید حرکاتی متناسب با درس داشته باشد.

چه حرکات دست. چه حرکات جسم.

اما توصیه صریح من این است که حرکات بطوری نباشد که شاگردان بجای آنکه به مفاهیم شما توجه کنند به حرکات توجه نمایند. گاهی دیدید بعضی از معلمین کلاس را طی می‌کنند و بچه‌ها مثل پاندول ساعت به معلم نگاه می‌کنند. یادش بخیر، بزرگواری را یک روز دعوت کردیم که در دانشگاه ما سخنرانی کند. ایستاد و سخنران هیجانی شد پشت کرد به بچه‌ها و رو کرد به دیوار و شروع کرد به دیوار مشت زدن، بچه‌ها خندیدند، به مدت ۱۰ دقیقه ارتباط قطع شد دیگر کسی حرف نداشت و به حرکات وی توجه می‌کرد، این نوع حرکات اختلال ایجاد می‌کند. موانع ارتباطی می‌شود.

تن صدا بسیار مهم است:

معمولاً برخی از این کتابها و بعضی از این منابع تعلیم و تربیت اشاره می‌کنند که صدای خانمها گوش را زودتر اشباع می‌کند. بهمین دلیل خیلی از آقایان به صدای حرف خانمها گوش نمی‌دهند شاید دلیل آن به همین دلیل باشد.

ولی دقت کنید تن صدای زیر گوش را سریعتر اشباع می کند، تن صدای بم گوش را دیرتر اشباع می کند اما در مجموع اشاره کردند چه تن صدا زیر و یا بم باشد. اگر فرکانس یکنواخت باشد گوش را خسته و اشباع می کند و فرد را از صحنه خارج می کند شور و حرارت سخنران، البته تنها حرکات نیست بلکه آن حالات عادی چهره است ما بحثی را در تکنولوژی آموزشی در فرایند ارتباط داریم.

آیا این حالت در کلاس صادق نیست.

فرض کنید دانشجوی نشسته مسن است و خسته و بی رمق، مطمئن باشید هر چه قدر شاگردان فعال باشند این حالت او به آنها سرایت پیدا خواهد کرد.

برعکس شما همه فعال باشید. بچه ها نشسته مثل مجسمه نه حرف می زنند و نه سؤال می کنند بی حال و بی رمق که معمولاً در اکثر کلاس هست.

آیا معلم فعال می تواند به فعالیت خود ادامه بدهد این تعامل احساس در آن شکل می گیرد و یک آزمایشی را یکی از روانشناسان انجام داد خیلی جالب بود.

من دانشجویی را وادار کردم در حیاط مدرسه ایستاده و به برج کلیسا نگاه کند. بعد از چند دقیقه دیدم ۲۰ نفری دور آن جمع شدند. بعد دانش آموز برگشت به آنها گفت به چه چیز دارید نگاه می کنید، هیچ کس نمیدانست به چه چیز دارد نگاه می کند. این تعامل احساسی است.

بنابراین معلم باید با شور و حرارات در کلاس درس حاضر شود تا شاگردان را دچار سستی و بی حالی نکند پرسش و پاسخ در سخنرانی، سخنران لازم است دائماً سؤال کند ذهن را فعال کند. چون هر سؤال برانگیزانند برای من حرکت ایجاد می کند ذهن را فعال می کند.

اما سؤال باید بگونه ای مطرح بشود که واقعاً برانگیزاننده باشند، حتی سکوت سخنران در ضمن اینکه دارد سخنرانی می کند چند ثانیه سکوت اختیار کند. یک مرتبه کانال عوض می شود فرد می گوید چرا؟ همین آن خستگی گذشته را از بین می برد و صدها نکات دیگر که اگر سخنران در ضمن سخنان به آن توجه کند می تواند مؤثر کند، درس خود را و نکات چهارم جمله بندی آخرین مرحله سخنرانی جمله بندی و نتیجه گیری بهر حال در ضمن صحبت کردن چون ارتباط، ارتباط کلامی است، گاهی اوقات براساس موانع ارتباط از کلاس خارج می شود. برای اینکه این اطلاعات قطع شده را بهم وصل کنیم این اطلاعات را باید جمع بندی کرد. اما حالت جمع بندی خیمه حالت است.

- ۱- جمع بندی توسط خود معلم انجام می گیرد فشرده ای از مباحثی که مطرح شد.
- ۲- جمع بندی شاید توسط خود شاگرد انجام گیرد. حتی با یک سؤال، از شاگرد می خواهیم بگوییم که مجموعه بحثی که دانستیم چه بود. یا حتی با یک تمرین در ریاضی، یک را می آوریم و در حل آن تمرین خود شاگرد تمامی آنها را می گوید.

اما یک نوع جمع بندی داریم بنام جمع بندی اتفاقی مخصوصاً در دروسی مثل علوم تجربی. یک حادثه اتفاق می افتد .

مثلاً امروز درس ما در مورد بن پایان و یا چوندگان است . وقتی بحث معلم تمام شد. ناخود آگاه و شاید پیش بینی کرد یکی از این بندپایان در کشو میز وجود دارد. این را بنوعی در کلاس می آورد بچه ها بگوئیم شاید یک تعدادی از بچه ها بترسند و یک عده بخندند . معلم بگوید راستی بچه ها خیلی خوب شد بحث ما درباره این موجودات بود .

این نمونه ای از بندپایان و شروع می کند به تمام آن حرفهایی که زده ، یک پدیده را می گیریم و براساس آن غیبت میدهم و تمام مطالبی که در کلاس؟؟ به طور خلاصه به آن اشاره می کنیم

ولی این روشها معایب و محاسنی دارند. در این روش سخنرانی بچه ها معمولاً کمتر فعالند . بچه ها بیشتر به معلم توجه می کنند. دامنه لغات و نحو سخنان گفتن آنها تقویت می شود. چون دائماً گوش می دهند.

اگر بخواهیم . دامنه لغات بچه ها تقویت شود یک مقدار باید به فعالیت پردازیم . نکته آخر ما باید بینم روش را کجا استفاده کنیم اگر به موقع و بجا استفاده کنیم. انفعال شاگرد کاهش پیدا خواهد کرد.

روش نهایی علمی

در این جلسه ما دو روش دیگر را که بازده، در نظام آموزشی ما تحت عنوان روشهای

سنتی داریم بحث می کنیم شایع است .

من یک نکته لازم است اینجا توضیح بدهم در کتاب مهارتها که تقسیم شده به

روشهای سنتی و نو، این فقط از لحاظ تقدم و تأخر زمانی است. والا هیچ رجحانی

نسبت به هم بخاطر این زمان ندارد .

ما خیلی از روشهای سنتی هنوز کاربرد دارند و خیلی از روشها نو مال سه ، چهار دهه

پیش هستند منسوخ هستند و دیگر به کار گرفته نمی شوند. حالا باز این دو روش مثل

روش سخنرانی که قبلاً اشاره کرده بودم مطرح می کنیم تحت عنوان روش سنتی مطرح

می کنیم .

روشهای سنتی :

قدمت طولانی در کاربرد آنها وجود دارد

یکی از این روشها تحت عنوان روش نمایش علمی ذکر شده باز وقتی می گویم نمایش

علمی، با ایفای نقش، نقش بازی کردن اشتباه نگیرند . روش نمایش علمی مبتنی بر

یادگیری به اصطلاح مهارتی ، عملی براساس مشاهده می باشد . من یک جایی مهارت

عملی را با اجراء و انجام دادن یاد می گیرم . این یک فرآیند دیگری است ولی یک جا

یک مهارت عمل را از طریق فقط مشاهده کردن مثل روش سنتی در گذشته، مثلاً در

یک روستایی کار کردم کار حرفه خود را فقط از طریق نگاه کردن کار استاد کار یا

پدر و مادر یاد می گیرد.

چه زمانی این روش را بکار می گیریم. ما می خواهیم بچه ها یک مهارت عملی را در

روی یک دستگاه بدست بیاورند، اما این دستگاه محدود است و در اختیار همه نیست،

با این کار بکنند.

معلم این را وارد کلاس می کند و با توضیح دادن و به نمایش گذاشتن آن مهارتها را به

بچه ها یاد می دهد. به این روش به اصلاح گفته می شود، نمایش علمی و یک وسیله

علمی، مثلاً موتور دیزل را برایشان توضیح می دهیم . این روش نیز مراحل خاص خود

را دارد . من تیتتر وار اشاره می کنم . عزیزان دقت کنید .

اولین مرحله، آمادگی است

آمادگی چیست؟ من یک وسیله را آوردم و می خواهم کار کنم و بارها در کلاس استفاده کردم. آیا لازم است مجدداً آن را چک کنم و با آن تمرین کنم، بینم جواب می دهد یا نه، حتماً لازم است، چرا؟

گاهی اوقات ممکن است وسیله ای دستکاری شد. دقیق کار نکند و در کلاس. ولی بچه

ها گفتم کار کرده آن این است، وقتی می خواهم به مرحله عمل دریاورم جواب

نمی دهد. بچه ها بین خراب شدن دستگاه و دانش من نمی توانند زیاد فرق قائل شوند و

شروع می کند، به خندیدن می گویند خود استاد و معلم بلد نیست. این را من شاهد

بودم.

دانشکده کشاورزی یکی از دانشگاهها، استاد بزرگواری، عنوان درس من نمی دانم ولی

روی تراکتورهای کشاورزی و نحو روشن کردن آن استاد صحبت کردند، این نه، تمام

حرفها را زد و بعد آمد استارت بزند دینام ماشین روشن نمی شد. شروع کردن دانشجوها

هر هر خندیدن، ببینید استاد خودش بلد نیست می خواهد به ما یاد بدهد.

یا ما در گرایش تکنولوژی داریم

مثلاً به شاگرد می‌خواهیم بگوئیم چگونه از او در کلاس می‌خواهیم استفاده کنیم، وی ناخود آگاه می‌خواهیم لامپ آن سوخته حتی بعضی از ما را دیدیم، حتی دکمه‌اش را بلد نیست.

پس عزیز من قبل از اینکه این را به کلاس ببری چک کن، تمرین کن، نبسته جواب می‌دهد یا نه، پس این آمادگی

۱- آزمایش کردن دستگاه، چک کردن و نحوه کار کردن که خود معلم مسلط بشود و بعد بردن سر کلاس و در جای معین که همه بچه‌ها بتوانند ببینند قرار دهد. این مرحله آمادگی است.

مرحله دوم مرحله توضیح:

قبل از اینکه به توضیح تشریح کار کرد این دستگاه پردازد این معلم باید بگوید هدف چیست؟ و می‌خواهد چه مهارتی را یاد بدهد. بعد شروع می‌کنیم به نحوه کار کرد این

دستگاه، این را وقتی توضیح دادیم در مرحله سوم به نمایش این قسمتها می توانیم قطعات را باز کنیم، ببندیم و کار هر قسمت را به نمایش بگذاریم. بچه ها ببینید که این دستگاه چه جوری کار می کند. بسیاری از متخصصین روشهای جدید توصیه می کنند که توصیه خوبی است و می گویند: « مرحله سوم و دوم را با هم ادغام کنیم. یعنی در ضمن اینکه کار کرد قطعات را نشان می دهیم همان موقع توضیح دهیم. چون شاگرد از طریق سمعی بصری هم می شنود و هم می بیند اثراتش خیلی بیشتر است.

گاهی همین توضیح را که ما برای معلمین در استفاده از تخته گچی یا تخته سیاه می دهیم، گاهی اوقات معلمان را می بینید که می نویسند سکوت مقطع می نویسند بعد توضیح می دهند.

لحظه ای که ارتباط قطع شد. ارتباط و قلم سند که شروع می کند به کار کردن تا ارتباط را مجدداً برقرار کردند کار بسیار مشکلی است. توصیه می کنیم ضمن نوشتن، حرفهایتان را بزنید.

اما در مرحله آخر، چهارم بعد از اینکه نمایش و توضیح تمام شد حالا به تناسب ابزاری که داریم. محدودیتش ممکن است یک؟؟؟ سه بچه ها بیایند کنار دستگاه قرار بگیرند. مثلاً خاموش و روشن کنند، یا قسمت های دیگر که قبلاً توضیح دادن کار کنند درست این معنای کار عمل نیست و نیاز به زمان بیشتری دارد. ولی همین قدر آوردن

بچه ها کنار دستگاهها از نزدیک دیدن و خاموش و روشن کردن می تواند مؤثر باشد این برنامه می گویم آزمایش سنجش ،از یک طرف دستگاه را آزمایش می کند و از طرف دیگر من معلم متوجه می شویم که این مهارت چقدر در ذهن آن جای گرفته، البته بعد از این مرحله آموزش ، اگر امکانات به ما اجازه بدهد تا با دستگاه کار کنند تا مهارت لازم را بدست بیاورند .

از محاسن این روش حالا من همین قدر بگویم شاید اولین باری است در زندگی آموزش انسانها وسیله و اشیا، حقیقی وارد کلاس می شود. بسیار مهم است که فرد پیوند ایجاد بسته که بین محیط آموزشی گفتاری و یک وسیله حقیقی .اما از معایب برجسته این است که مهارتهای عملی را تنها از راه مشاهده نمی توانیم ببینیم .

مهارتهای عملی نیز به ممارست دارد، حالا در بعضی از کتابها به عنوان حرفه آموزی و مهارتهای حرفه آموزی از آن بحث می شود. و من امیدوارم آن مهارت علمی در آمد و در آنجا عزیزان می توانند رجوع کند. ای روش با این ساختار خیلی ساده می گویم روش نمایش البته دقت کنید اشتباه نکنید در بعضی از کتابهای انگلیسی و روانشناسی روش سخنرانی را روش نمایشی ذکر کردند چون در آنجا معلم به طور شفاهی دارد نمایش می دهد یا خودش را به نمایش می گذارد.

سؤال : شما در روش سخنرانی فرمودید تغییر کانالهای ارتباطی مثلاً از گوش دادن دانش آموز به نگاه کردن تعبیر می شود.

پس آیا می توانیم بگوئیم این روش نمایش تلفیق شود . اگر دقت کنید برای اینکه از یک نواختی وقت کشی در بیاید کانال را عوض کنید . وقتی کانال عوض کنید دیگر روش سخنرانی نیست، تلفیق و ترکیب است .

در روشها هر چقدر هم تلفیقی عمل کنیم اثرش بیشتر خواهد بود. طبیعی است در همین روش هم یک بحث مرحله توضیح است اما چرا نمایش ، می خواهیم مهارت را یاد بدهیم آن همه از راه مشاهده و نشان دادن به همی دلیل نمایشی است. شما در کلاس درس به هیچ وجه بطور مطلق یک روش خاص را نمی بینید ، همیشه معلمین ما در عمل ترکیبی و تلفیقی عمل می کنند.

اما روش دیگری که در این مقوله خیلی نزدیک است به روش نمایش علمی روش آزمایشگاهی است حالا یک سؤال من نمی دانم به ذهن عزیزان می آید که تفاوت این دو روش چیست؟

جواب : در روش آزمایشگاه دانش آموز کار می کند .

در روش آزمایشگاهی

روشی است که دانشجویان و دانش آموزان با در اختیار داشتن ابزار آموزشی خود شخصاً به مطالعه تحقیق و یادگیری می پردازند یعنی خودشان فعالند ولی در اینجا معلم فنی است.

شما در آزمایشگاه دیده اید معلمی بیاید آزمایشی را انجام بدهد. حتی در آزمایشگاه و بچه ها نشسته و این مراحل را از راه دیدن یاد می گیرند. آیا این آزمایشگاهی است یا نمایشی

جواب: آزمایشی

گاهی دیدید که معم آزمایشگاه اینکار را انجام می اینکار را انجام می دهد می رود وارد آزمایشگاه می شود ولی خودش انجام می دهد و بچه ها می بینند این روش آزمایشگاهی نیست بلکه روش نمایشی است. گفتم در روش آزمایشگاهی با در اختیار داشتن ابزار خو شخصاً تجربه کسب می کند

اما آیا در روش آزمایشگاهی ما گاهی ناچار می شویم که نمایش عمل کنیم یا نه .

می گوئیم بله ، مواردی هست که معلم باید بجای آزمایشی، نمایشی عمل کند

۱. آزمایش خطرناک است ، هنوز نکات ایمنی را شاگرد یاد نگرفته است اگر بخواهیم ابزار در اختیارش می گزاریم ضایعه دارد. مخصوصاً در بسیار از آزمایشگاهی پزشکی .

۲. ابزار گران قیمت است شاگرد با آن مسلط نیست بر کار ممکن است استاد گرد با این

ابزار کار کند ابزار خراب می شود، منحصر به فرد و ممکن است کل نظام آزمایش را

مختل کند. خود معلم باید خودش عمل کند از همه مهمتر شاگرد هنوز روش آزمایش کردن را بلد نیست در این سه حالت ، در این شرایط معلم باید در آزمایشگاه از روش نمایش علمی استفاده کند. اما اگر این سه مرحله وجود نداشت حتماً باید

روش آزمایش ، آزمایشی را که بسیار قوی تر و اثربخش تر در فرایند است دنبال کند. آن موارد کجاست؟

اینجا مراحل دارد :

معلم قبل از اینکه بچه ها را وادار کند این آزمایش را انجام بدهد مفاهیم نظری را باید به بچه ها آگاهی داده باشد و چون آزمایش کردن نیاز به مفاهیم علمی در ذهن دارد .

مثلاً اگر چند دارو است. بدانیم این دارو چیست ویژگی آن چیه و چرا می خواهیم این کار را انجام بدهم و دنبال چه چیزی هستیم . چه ؟؟؟ را می خواهیم دنبال کنیم . بعد بیاید

این معلم آزمایشگاه بزارها را به تناسب بچه ها تقسیم کند روی میزها قرار بدهد . گروه

در دست این معلم آزمایشگاه است با توجه به امکانات مثلاً اگر ما پنج قسمت از

دستگاه باید پنج نوع ابزار را داریم و ۳۰ نفر از این دانش آموزان آن را داریم . ما

ناچاریم به بچه ها را به گروههای ۶ نفری تقسیم کنیم من باید این ابزارها را روی میز

بعینم. تقسیم کنم و گروه بندی خاص خود را انجام بدهم ، و مراحل کار را به بچه ها یاد بدهم .

دقت کنیم در همین جا هیچ وسیله ای که مربوط به آزمایش است نباید روی میز

آزمایش بچه ها باشد ، چرا؟

فرض کنید من امروز آزمایشی که می خواهم انجام بدهم به چراغ الکلی نیاز دارم ، ولی

این چراغ الکلی از قبل روی میز بود و معلم آن را تغییر نداد . این؟؟ نوع اختلاتی ایجاد

کند

در تمام این موارد ممکن است فکر کند این چیه، چرا اینجا گذاشته شده به چه درد

می خورد، بنابراین وسایل اضافی را این وظیفه معلم آزمایشگاه است که آنها را بردارد

فقط وسایلی که مورد نیاز است باز بحث دیگری آنکه :

آیا معلم آزمایشگاه باید با بچه ها آزمایش کند؟ نه خیر او فقط ناظر و ارزیاب

است. مخصوصاً با چی چیزی باید نظارت کند به فرآیند آزمایش.

به قول فرونر: «به فرآیند باید بیش از نتیجه توجه کند چون بسیاری از بچه ها هستند در

آزمایشگاه که معلم باید بخواهد از بچه ها گزارش کتبی بنویسند،» مثلاً بعضی از بچه ها

هستند که آن مراحل را دقیق اجرا نکرده اند ایشان می آید مثلاً می بیند گروه بنام دستی

دارد انجام می دهد آنها به هما نتیجه رسید همان را می نویسد یا نتیجه را در کتاب خواند

عملاً خودش کار نکرده . اگر معلم آزمایشگاه در کلاس باشد حضور فعال از نظر چک کردن فعالیتها داشته باشد می بیند کی فعالیت می کند کی فعالیت نمی کند به فرآیند آزمایش باید نمره می دهد و نظارت کند. نه تنها نتیجه بنابراین بچه ها یاد می گیرند که اگر درست این مراحل را طی نکنند ممکن است معلم آن امتیازی را که می خواهد به آنها بدهد ندهد.

باز نظارت دیگری که معلم باید انجام بدهد . همه ؟؟ و اعضای گروه که دور میز آزمایشگاه همه فعال باشند همه بتوانند کار بکنند نه اینکه یک عده کار و یک عده نگاه کنند.

تقسیم کار و تقسیم وظایف را باید انجام بدهند

و مخصوصاً باز یادآوری بکنم این معلم این ابزارها و داروها را که روی میز می گذارد خودش باید قبلاً آزمایش کردند.

چرا؟ ممکن است تغییر تحولی مثلاً یک اسید را می خواهیم با باز ترکیب کنید و نمک بسازید ممکن است یکی شیطنت کرده باشد آب قاطی آن کرده باشد .

من بیاد شیپنت خودمان که در دوران دبیرستان داشتیم یک آزمایشگاه خوب داشتیم دبیر شیمی بسیار فعالی داشتیم اما بچه ها اگر دقت نمی کردند خیلی تنبیه میکرد. . یک روز تصمیم گرفتیم اذیتش کنیم ، چون بعد از هر آزمایشی مستخدم مدرسه می آمد آنجا را نظافت می کرد .یکی از بچه ها می گوید آقای دبیر گفته اینها را بریزید دور و آب بکش و آب پریز بگذار و به من پنج تومان داد.

این بنده خدا آمد هر کاری کرد. اصلاً تست نکرد که اسید دارد یا خیر .ممکن بود چون هر هفته کار می شد .اما هر کاری کرد جواب نداد و بعد هر هر بچه ها بلند شد و بعد متوجه شد و گفت من دیگر تسلیم شدم از این موارد خیلی اذیت می کردند .این کارها ممکن است پیش بیاید مثل همان دستگاه نمایش کار نکنند.

بنابراین معلم باید این فرصت را به بچه ها بدهد که واقعاً آزمایش کنند نتیجه را ببیند ، نتیجه را از قبل به بچه ها نگوید که چه می شود . ما معمولاً درس می دهیم این اسید یا آن باز می شود نمک بیاید بگذارید خودش آزمایش کند و ببیند و آزمایش کند. و چون این محصول جدید یا تولید جدید چیست . اینکار را اگر انجام دهیم و فرد عملاً تجربه کند در محیطی به این روش می گوئیم روش آزمایشگاهی .

این روش روش بسیار خوبی است چون عملاً موجب تجربه مستقیم شاگرد می شود. اما بشرطی که ابزار و امکانات در اختیار باشد.

نظارت معلم : شما دیدید در بسیاری از موارد متأسفانه معلم آزمایشگاه وقتی ابزار را در اختیار بچه ها می گذارد می رود دنبال کار خودشان. این ارزش آزمایش کردن را ندارد ، چرا فرآیند را از دست می دهد.

حتی گزارشات را بخواند ، نتیجه را ببیند و فرآیند را نتیجه نشان نمی دهد.

در کنار این روش روش دیگر است و آن گردش علمی. اگر گفتید تفاوت گردش علمی با نمایش علمی و آزمایشگاه چیست؟

جواب : در گردش علمی دانشجو عینیات را خودش می بیند و خودش کشف می کند .

کشف آن است که او تجربه مستقیم بکند.

آیا در گردش علمی و یادگیریهای فرد مبتنی بر مشاهده است یا مبتنی بر عمل و آزمایش عمل است.

جواب

اولاً - خارج از آزمایشگاه انجام می گیرد، حتماً خودش تجربه مستقیم می کند ، تجربه

مستقیم من این را اشاره کنم فرض کنید من یک گروه بچه های علوم پزشکی را

می خواهم ببریم یک منطقه ای که بیماری خاصی وجود دارد، اینها خودشان تحقیق کنند و علت بیماری را کشف کنند و بعد راههای استفاده از آن را. یا یک گروه زمین شناس می روند در قسمتی و شروع می کند به شناسایی و این یک

تجربه مستقیم است ولی در گردش علمی حسن آن این است که ما بعضی از موضوعات درسی را از کلاس می ببریم.

پیوند ایجاد می شود بین کلاس اما یادگیری بصورت مشاهده است.

شما من را می برید از پالایشگاه نفت بازدید کنم من کجا دخالت دارم. من می روم از فلان موزه بازدید کنم ، جالب این است ، در فرهنگ ما وقتی که می گوئیم گردش علمی رابه عنوان روش نمی شناسیم . گردش می دانیم به همین دلیل حساب؟؟ نمی دانیم از شاگرد چی می خواهیم .

در حالی که دقت کنید ما وقتی از روش گردش علمی در آموزش استفاده می کنیم که بینیم هدفهای آموزش در کلاس درس نمی رسیم ، جواب نمی دهد.

مثلاً شاگرد من دریک از درس حرفه و فن در گذشته بود کراکین نفت بود ؟ خوب من معلم نمی دانم یعنی چی؟ همینطور از روی کتاب می خوانم .

برای این کار بهتر است من یک روز دانش آموز را ببرم بیرون از کلاس در خود پالایشگاه تهران اینها را از نزدیک این مراحل را ببیند و حتی هیچ نیاز نیست من توضیح دهم.

از مهندسین آنجا کمک می گیریم ولی دقت کنیم وقتی می گویم گردش علمی دیگر تجربه مستقیم نیست مشاهده است. یادگیری در گردش علمی بر مبنای مشاهده است. یا گاهی در بعضی از کتابهای به عنوان تجربه مستقیم ذکر شده خودش آزمایش می کند و خودش دستکاری می کند خودش نتیجه گیری می کند اما در گردش های علمی ما این اجاره را نداریم حتی گاهی ما پدیده را با فاصله مورد مشاهده قرار می دهیم.

در اینجا نکاتی است که معلمین بزرگوار باید دقت کنند مثلاً قبل از مشاهده باید از محل مشاهده بازدید کرد، معلم باید ببیند آیا هزینه کرد، خطرات احتمالی را در نظر گرفت به عرض می رسد یا نه.

آیا واقعاً به عرف می رسد یا نه اگر قرار است من ببریم و ببینم که اثرش به اندازه کلای باشد نیازی به برون نیست. بنابراین وقتی گردش علمی را مطرح می کنید که اهداف فعالیت به مراتب به قوی تر از فعالیت باشد. اما قبل از گردش علمی باید به بچه ها تذکر بدهند آماده بشوند و باید من نکته ای را از لحاظ آموزش و پرورش ما گاهی خطرات در این زمینه داریم.

و گاهی مشکل ساز شده برای معلم حتماً باید گردش علمی با مجوز اداره و والدین بچه ها بگویم که در حد بلوغ اند که امضاء کند و برگه ای پر کنند در غیر اینصورت والدین باید دقت کنیم بجای والدین کس دیگر امضاء نکند، چون خطری وجود دارد. بعد باید به بچه ها بگویم که قلم کاغذ گزارش و بعد از هر باز دید باید گزارش تهیه کنند در تمام طول بازدید معلم باید نظارت کنند که بچه ها مشاهده کند و گروه بندی و بعد گزارشات را گروهی بنویسند و بعد فعالیت بعد از گردش علمی؟؟ به محض اینکه بچه ها برگشتند باید گروههای باید گروهها مشاهدات خود را در کلاس ارائه بدهند چه دیدند.

چه نتایج گرفتند بعد حتی مطرح شد و با یکدیگر بحث کردند گروهها اینمایت گروهها باید با همدیگر جمع شوند و گزارش نهایی از بازدید تهیه کند. حتی اگر مدرسه امکانات دارد آن را تایپ کند. در آرشیو یا کتابخانه مدرسه بگذارند که اگر گروهی دیگر فرصت نشد بتوانند آنجا را ببیند بتوانند از مشاهدات بچه ها استفاده کنند.

جالب این است که برخی از مراکز و مدارس خارج از ایران وقتی بچه ها می رفتند گردش علمی دو هفته بعد دارین واقعاً عزا می گرفتند زیرا می باید مطالعه می کرده و گزارش تهیه می کردند و لی ما به بچه هایمان می گویم

هم معلم و هم شاگرد هر دو فکر می کنند که به تفریح می روند و هیچ نوع یادگیری و جمع بندی صورت نمی گیرد و هیچ گاهی فعالیت ضد آموزشی صورت می گیرد

من یادم هست در یکی از نمایشگاه های تهران یکی از مدارس منطقه ای بچه ها را به نمایشگاه بین المللی می برد با اتوبوس اجاره ای و بعد موقع برگشت می گوید بچه ها من کاردارم شما می آید . بچه ها نه خیر . پس من می روم و بعداً شما بیایید . و بعد مسول نمایشگاه دید بچه ها گریه می کند که آقا پول بازگشت نداریم .

جالب این بود که خانواده ها نگران بچه ها بودند غروب همه بچه ها توسط مینی بوس نمایشگاه باز گردانده شدن معلم هم توبیخ شد .

بنابراین دقت کنیم که آن ضایعات این روش را محدود کنیم . مخصوصاً در گردش علمی که دچار مشکل نشویم .

موفق و مؤید باشید .

روش بحث گروهی

یکی از روش های دیگر تحت عنوان روش بحث گروهی ، تحت عنوان روش سنتی در کتاب مهارتها ذکر شد .

ولی من در ... تقسیم بندی جدید این روش را تحت عنوان و زیر مجموعه الگوهای تعامل قرار دارد ولی روشی است از گذشته وجود داشته تقسیم بندی یک چیز ذوقی است، نمی شود ایراد گرفت چرا اینطور تقسیم بندی شد این یک چیز صد درصد علمی مثل طبقه بندی جانوران نیست

حالا روش بحث گروهی چیست روش بحث گروهی اگر بخواهیم خیل خلاصه تعریف کنم ، گفتگوی است سنجیده منظم و حساب شده درباره موضوعی خاص که مورد علاقه دانش آموز است .

آیا بحث گروهی در موضوع مورد غیر علاقه ای نمی شود گفت نه خیر .

من وقتی در مورد موضوعی علاقه نداشته باشیم در مورد آن کار و بحث کنم . اساس کار یک موضوع مشترک بین شاگردان و موضوعی که مورد علاقه است در چه کلاسهای کار برد دارد می شود در کلاسهای پر قیمت از این روش استفاده کرد . توصیه می کنم کلاسهای که از ۶ نفر ؟؟ نفر تا حداکثر تا ۲۰ نفر دیگر نمی شود از این روش بیشتر استفاده کرد .

اما گاهی سؤال اینجاست چه دروسی را می توانیم با روش بحث گروهی در کلاس اجرا کنیم .

حاضرین جواب دادند : علوم انسانی ، نه علوم انسانی ، کلیه علوم .

آن دسته از مفاهیمی است که قانون اثبات شده قانون ثابتی نداشته باشد و بشود نظرات مختلف ارائه داد.

۱. موضوعی که بشود نظرات مختلف در مورد آن موضوع ارائه داد

۲. دانش آموزان حداقل در مورد آن موضوع اطلاعات لازم را داشته باشد چون وقتی من اطلاعات نداشته باشم نمی توانم بحث کنم.

۳. موضوع مورد علاقه دانش آموز باشد. چه موقع من می روم دنبال اطلاعات و وقتی که علاقه داشته باشیم بین درسی که مورد علاقه مشترک باشد بقیه اطلاعات لازم بدست آورند من می توانم از روش بحث گروهی استفاده کنم.

حالا سؤال اینجاست اگر گروه اطلاعاتی دارند دیگر آموزش صورت گرفته. چرا اینکار را بکنیم به عنوان یک روش یا تثبیت یادگیری .

معلم حتی اگر علاقه وجود ندارد می تواند با یک حلقه کوچک فیلم خیلی کوتاه با طرح یک سؤال ایجاد یک زمینه بحث انگیز این علاقه را در بچه ها ایجاد کند.

۲- هدایت کند که بروند منابع را بخوانند اما با یک زرنگی . منابع را یک نواخت در اختیار بچه ها قرار ندهد . به هر گروه و فردی یک منبع بدهد چرا؟ چون می خواهد دیدگاه مختلف را بسنجد وقتی دیدگاه را ارائه دادند بحث گروهی شروع می شود. و بحث، مقایسه ،چالش و درگیری صورت می گیرد.

سؤال حاضرین: توانمندی معلم شرط است؟ بسیار مهم است.
اگر معلم توانمندی علمی و سازماندهی لازم را نداشته باشد این روش کاملاً به انحراف کشیده می شود.

سؤال دوم: در موقعیتی و برای چه هدفی ما از این روش استفاده می کنیم:
ما هر روش را بکار می گیریم یک هدفی را دنبال می کنیم من عرض کردم که اگر من بخواهم دامنه لغات و نحوه سخن گفتن دانش آموزان را تقویت کنم دیگر روش سخنرانی بدر نمی خورد.

اگر من بخواهم قدرت استدلال بچه‌ها را تقویت کنم از روش پرسش و پاسخ و بحث گروهی استفاده می‌کنم. حالا بینم، اینجا چه هدفی دارد؟ اولاً انتقال اطلاعات و یادگیری مفاهیم علمی و محور همه روشها است ولی در کنار این هدف ما هدفهای دیگر آموزش و تربیتی را در نظر داریم.

مثلاً ایجاد علاقه مشترک می‌خواهیم که بچه‌ها روی یک موضوع حساس باشند و مشترک باشند توی کتابهای درسی قصه بنویسند. امریکا یی بحث جالبی را؟ کنید. آیا آمریکا، سرزمین آمریکا مال سرخ‌پوستان است یا سفیدپوستان. بچه‌ها در تاریخ خواندند.

معلم بچه‌ها را گروه بندی کرد. و منابع مختلف معرفی کرد. من یادم روزی که بحث گروهی شروع شد واقعاً نمایشنامه نبود بلکه یک بحث دقیق، مثل برخی از نمایندگان احزاب و گروهی چه جوری می‌آمدند. گروهی سفیدپوست هم بودند ولی سفیدپوستانهای آمریکا را محکوم می‌کردند و اینها آمدند استعمار کردند و گروهی می‌گویند اما آمدیم اینجا را آباد کردیم.

نتیجه برای معلم مهم نبود. او بدنبال این درگیری و چالشها بین بچه‌ها بود و استقلال بین بچه‌ها. بنابراین اگر بخواهیم ما ایجاد علاقه کنیم و انگیزه به وجود آورد بایستی چه اقداماتی انجام دهیم.

دوم: ایجاد و پرورش تفکر انتقادی . ما یک بحث مفصلی داریم.

تمام آموزش پیشرفته.

بحث تفکر بویژه پرورش تفکر تذکر انتقادی است ما در جامع مان بحث تفکر اعتقادی

می کنیم فکر می کنیم باید انتقاد کنیم و ایراد بگیریم .

این نیست . تفکر اعتقادی همان آخرین مرحله بلوغ است.

یعنی شاگرد بتواند بر اساس استدلال و شواهد ، تجربه ، و تجزیه ، و تحلیل قضاوت کند

در هر قضیه . حالا این قضاوت ممکن است در تائید و رد باشد.

اما احساس خودش و گرایش خود را دخالت نمی دهد به اساس شواهد و مدارک

قضاوت می کند بر اساس عقلانی قضاوت می کند.

نقد کند اگر پاسخهای صحیح است بپذیرد و تعصب نشان ندهد در آنچه که خود

مطالعه کردند حالا در این تفکر انتقادی واقعاً این روش می تواند مؤثر باشد.

نکته سوم: که باز ما دنبال می کنیم در اعمال این روش ایجاد توانایی، یا تقویت توانایی اظهار نظر در جمع .

شما فکر می کنید دانش آموزان و دانش جویان در کلاس چقدر جرات اظهار نظر در جمع دارند، خیلی کم. برای من گاهی پیش آمد، یک بحثی در کلاس صورت گرفته بعد از این کلاس تمام شد دانشجو می گوید استاد من نمی خواستم وقت شما را بگیرم من چیزی در نظر من هست .

چرا در کلاس مطرح، بگذار جلسه بعد در کلاس مطرح کنید.

من می فهمم. واقعاً نظرش نظر خوبی است .

این روحیه اظهار نظر جمع را در بچه ها تقویت کنیم این یکی از روشها است که من در بحث دنبال می کنم تقویت و توانایی انتقاد پذیری: انتقاد پذیری در قشر حتی تحصیل

کرده ما دانشگاه، چقدر وجود دارد؟

نه انتقاد گری بلد هستیم نه انتقاد پذیری .

در انتقاد گری اگر کسی مبنای انتقاد کردن را فقط ایراد گرفتن و عیبجویی بگذارد این یک بیماری است.

بنابراین یک فرد انتقادگر کاملاً بی طرف و براساس شواهد بحث می کند از طرف دیگر انتقادپذیری بدتر است. تا به ما بگویند که فلان روش فلان کارت این جورى عصبانى

می شویم.

این روش سبب می شود که چون بچه ها دائماً در چالشند، حرف یکدیگر را رد می -

کنند، می پذیرند، بحث می کنند، کم کم شاگرد یاد می گیرد.

در مورد یک پدیده های علمی ممکن نظرات مختلف باشد.

سؤال: یکی از روشهای نوین یادگیری الان؟ مغزی یا فکری هست. آیا می توانیم بحث

گروهی با توجه به اینکه مطرح می شود همه نظرات خودشان را می دهند و در نهایت به

ایده ای میرسد.

من استدعا می کنم که فرمایش شما خیلی خوب هست. بارزش مغزی نمی گوئیم.

بارزش مغزی در واقع یک نوع؟ یادگیری را.

من بعنوان يك معلم از شیوهایی استفاده می‌کنم که ذهن سیال شود می‌گویم سیال سازی ذهن.

بله روش بحث گروهی ممکن است در یک جا باعث سیال سازی ذهن شود. ولی سیال سازی ذهن بحث گروهی نیست.

من اگر بخواهم شاگرد من باروش بحث گروهی؟ برود سیال سازی ذهن یا کاهش مغزی است .

سؤال: یکی از قوانینی که در بارش مغزی است انتقاد کردن ممنوع ایت. یعنی می‌گویند همه می‌توانند نظرات خود را بگویند بدون اینکه همدیگر را تمسخر کنند ولی انتقاد کردن ممنوع است .

اشتباه نکنید. انتقاد کردن اصلاً تمسخر نیست. همین است که من نظر خود را می - گویم. مثلاً می‌گویم: همکار خوبم آنچه که شما می‌گویید به این دلیل من نمی‌پذیرم و بعد به این دلیل مورد پذیرش علم نیست.

نه شما از حرف من ناراحت می‌شوید نه من از شما. وقتی شما دارید اظهار نظر می‌کنید تنها وظیفه من اینست که به حرف شما گوش بدهم حتی حرف شما را قبول ندارم. دقت کنم و بعد پاسخ بدهم دقیقاً یعنی اجتماعی شدن . این تعامل اجتماعی را در این روش

داریم دنبال می کنیم . بنابراین کتابهای روانشناسی به هیچ وجه عیب جویی را جزء روشهای انتقادی به حساب نمی آورند.

قدرت توانایی انتقادپذیری. چرا چون دائماً با هم چالش کنند یاد بگیرند یک لغاتی داریم در کتابها شاید من اشاره نکردم.

تحت عنوان تولانس یا تولانیتس تحمل پذیری که در فرهنگ ما به تسامح و تساهل تعبیر شد. یعنی چه؟ یعنی چشم پوشی کنم، نه خیر یعنی به نظر مخالفم.

اگر چه مخالف من است تحمل می کنم ، گوش بدهم، و بعد اگر بخواهم رد کنم نه با احساسات نه با عصبانیت بلکه با منطق و استدلال.

این را می گوئیم تولارانس در فرایند تحمل پذیری.

روش بحث گروهی روشی است این تحمل پذیری را در من تقویت می کند.

حالا بر چه اساس می گوئیم، چون هر کس در مورد یک پدیده علمی با نگاه خود، نگاه

می کند . اشاره کردم دانش آموزان که جوری من آرایش دادم که کتاب خاصی را

بخوانند همه به یک نتیجه نرسد تا بتوانند با یکدیگر بحث کنند.

بله در زمینه یک پدیده علمی نگاه مطلق وجود ندارد. حتماً این روش برای ایجاد تقویت مدیریت و رهبری بسیار مفید است. چرا وقتی بحث گروهی را شروع می کنیم ما یکی از اعضاء را بعنوان مدیر جلسه، حالا این مدیر باید بی طرف باشد، سازماندهی کند، زمان را خوب تقسیم بندی کند از کسی طرفداری و جانبداری نکند. نظر خودش را تحمیل نکند هر چند باید نظر خودش را بیان کند. مثلاً میزگردهای صدا و سیما را دنبال می کنیم اصلاً بحث گروهی نسبت خود مجری بیشتر از همه صحبت می کند. زمان را تقسیم نمی کند.

در اینجا کم کم یاد می گیرد. معلم قضاوت می کند. زمان را تقسیم می کند و به بچه ها یاد می دهد که همه در بحث شرکت کنند.

و این با این تمرین یک مقدار نقش مدیریت را تمرین می کند و یاد می گیرد. برای تقویت قدرت بیان و استدلال بحث گروهی بسیار مفید است. چرا باز بچه ها حرف می زنند، فقط یادداشت نمی کنند و فقط نمی نویسند، فقط ساکت نمی شوند. بنابراین در اینجا با بیان یا استدلال یا رد یا پذیرش یکدیگر قدرت بیان استفاده از ساختار ذهنی در اثبات قضیه یا رد به اینها کمک می کند چنین مهارتی در عمل و حتی در تقویت قدرت تصمیم گیری این روش بسیار موثر است چرا در تصمیم گیری؟

گاهی ما در جمع قرار گیریم و وقتی قضاوت و استدلال درست شد آنکه درستتر است می پذیریم و آنرا قبول کنم اسرار الکی نمی ورزیم روی آن در نتیجه کم کم به من یاد می دهد وقتی در اجتماع در فرایند زندگی خودم به یافته جدید رسیدم گزینش کنم و بر روی یافته های گذشته ام اصرار نورزم یا اگر دید گاهی برتری دیدم آنرا بپذیرم .

سؤال: نقش معلم اگر احساس می کند بحث به بیراهه کشانده می شود چه جوری می تواند این معلم بحث را هدایت کند.

تا زمانیکه کاملاً این روش ، مدیریت بحث گروهی را یاد نگرفته باید معلم نقش گروه را داشته باشد و عملاً به بچه ها یاد بدهد که چگونه ، دقیقاً مثل ماشین که هر وقت از جاده خارج شد فرمان را کج کرد سئولات جهت داد تا بچه ها از محور بحث خارج نشوند.

بهترین کار اینست که در جلسات ابتدایی خود معلم نقش مدیریت را داشته باشد.

آشنایی ، با روش کسب اطلاعات ، مثل همان حل مسئله:

در نتیجه یاد می گیرند که چگونه مباحث را از کجا باید بدست بیاورند.

حتی ایجاد یک رابطه مطلوب اجتماعی. این گروه با هم برخورد دارند تا با یکدیگر بحث می کنند، صمیمیت ایجاد می شود. مثل بحثهای گروههای ما نشود.

من دیدم یک زمانی حتی دو سه بزرگواری در یک شبکه تلویزیون در زمینه علمی بحث می کردند بعد از آن سه ماه با یکدیگر قهر بودند، هدف این نیست ما بچه ها را در مقابل حوادث قرار دهیم. برای اینکه بچه ها یاد می گیرند نظرات یکدیگر را نمی پذیرند حتی عقاید یکدیگر را نمی پذیرند اما با یکدیگر دوست باشند. ما بین پذیرش یا عدم پذیرش، رابطه دوستی را متاسفانه به ما یاد ندادند که چگونه عمل کنیم.

بچه های ما محصول فرایند یاددهی ما هستند، اگر آنها یاد نگرفتند ما معلمین مقصریم. سؤال: آیا در زمان بحث گروهی زمان خاصی نیاز دارد یعنی ما زمان متخصی را باید اختصاص بدهیم برای بحث گروهی؟

اصولاً در رویکرد جدید آموزشی یک مقدار زمان محدود را نمی پذیرند.

معلم باید جوری هدایت کند که بحث تمام بشود اگر بحث تمام نشد دوباره به بچه منابع میدهد تشویق می کند که مطالعاتشان انجام بدهد در جلسات بعد بحث را دنبال کند.

بهر حال باید به نتیجه گیری برسد و یک جمع بندی کلی و نگاه کلی صورت بگیرد.
در مراحل اجراء اول: آمادگی و برنامه ریزی است.

معلم موضوع انتخاب کند.

موضوع مناسب باشد برای این روش، زمینه ها را فراهم نماید هم از کتاب و منابع و منابعی که بچه ها باید رجوع کند. شبکه ارتباطی بچه ها را مشخص می کند. می خواهم بحث را بصورت نیم دایره دنبال کند می خواهد فعلاً تعاملی و بر اساس نوبت باشد.

این شبکه ها را باید از اول مشخص کند و نقشها را. بهتر است در هر مبحث گروهی یک متخصص هم جزء بحث باشد این متخصص می تواند یک معلم باشد و می شود از بیرون دعوت کرد در این زمینه یا حتماً دانش آموزان خوبه کلاس را شرکت داد بعنوان صاحب نظر. در بحث شرکت نمی کند ولی در جمع بندی نهایی را ارائه می دهد.

وقتی نظر نهایی را داد. بچه ها باید بپذیرند، این پایه اجباری نیست حتی گاهی دید شما بگویید، من شما را به عنوان متخصص این رشته قبول دارم می پذیرم. اما قانع نشدم.
می روم مطالعه می کنم و بعد بحث را ارائه می دهم برای اینکه خیلی بحث و برنامه ادامه پیدا نکند.

در مرحله دوم اجراست و در اجرا امکانات باید فراهم شود. چون بحث گروهی

امکانات خاص خود را دارد. شرکت در بحث دقت کنید. هیچ شاگردی که در آن

مجموعه بحث گروهی هست حق ندارد ساکت باشد حتماً باید اظهار نظر کند.

هیچ شاگردی حق ندارد وسط حرف دیگری بپرد. هیچ شاگردی حق ندارد خودش

بازی کند و گوش نده اینها جز وظایف مدیریت که مدیر باید سازماندهی کند.

و تلاش کند از وقت حداکثر استفاده صورت گیرد و همه شاگردان در بحث شرکت و

بحث را کنترل کند. هر جا احساس کرد بحث دارد منحرف می شود باز جهت بدهد آن

را در خط یا راستای بحث هدایت کنند.

مخصوصاً این وظایف مدیر جلسه است از طرف دیگر یک فرد را به عنوان منشی

بگذاریم.

حالا گاهی ضبط بگذارید. این مباحثات را کنیم.

و بعد معلم اینها را در کلاس تجزیه و تحلیل کند. چه ایرادی است که اشتباه کردند

کجا رعایت نکردند.

و حتی بعضیها توصیه می کنند شما فردی را به عنوان ناظر در خارج از سیکل دایره یا

گروه قرار دهید که او این زمینه را مورد ارزیابی و نکات مثبت و منفی را اجرا می گوید

تا گام به گام حذف شود. بهر حال این یک روشها است معایب و محاسن خودش دارد.

در کلاس پرجمعیت قابل اجرا نیست.

معلم متخصص می خواهد اشراف می خواهد علاقه می خواهد سازماندهی می خواهد و اگر این روشها را رعایت کنیم ممکن است نتیجه مطلوب از این روش نداشته باشیم. مخصوصاً عزیزان در کتابهای دیگر دیدند که یک روش مشارکتی است آنهم ممکن است گروهی باشد. وقتی می گویم مشارکتی ... تنها مشحصه آن با کارهای گروهی این است که امتیازاتی که بچه ها می گیرند تک تک امتیاز می گیرند ولی در هر گروه این امتیاز جمع می شود و میانگین گرفته می شود. میانگین به کل گروه داده می شد. که بعضیها نگرانند که حق بچه های بعدی از بین برود. تخفیفات هم این را نشان داد. من در این کتاب روانشناسی و مشارکت مخصوصاً تحقیقات کتاب اسآوی رجوع کنید مطرح شده بحث مفصلی در این زمینه انجام داده است.

روش حل مسئله

یک روش دیگر باز در قالب الگوی حل مسائل.

قابل تحلیل بکارگیری تحت عنوان روش حل مسأله، روش یعنی در عمل اجرا کنیم یا گاهی روشهای مسأله محور نگر می گویند. در این روش چنانکه در الگو اشاره کردم به هیچ وجه معلم نقش انتقال اطلاعات را مستقیم و غیرمستقیم ندارد بلکه نقش راهنما

را دارد. برای اینکه یک مقدار عینی تر شود چون در مباحث گذشته در مورد حل

مسأله بحث شد.

حالا عزیزانی که می خواهند در الگوی حل مسأله مطالعه کنند می توانند آن بحث را

دنبال کنند. ولی در اینجا سعی می کنند پراتیکال، عملی در مورد اجرای حل مسأله

که اگر می خواهیم در مورد آن الگو، روش بکار بگیریم، چگونه عمل کنم.

در این روش، روش حل مسأله همیشه هم می شود یادگیری مشارکتی، یادگیری کار

کرد. هم می شود گروهی و انفرادی کار کرد ولی اساس کار این است در مرحله اول

وقتی معلم وارد کلاس می شود بجای انتقال اطلاعات موقعیتی را ایجاد می کند که برای

شاگرد سؤال ایجاد کند یک موقعیت متناقض و متضاد و حتی همراه با تحیر و شگفتی

و این موقعیت نامعین با همراه تغییر سبب می شود که سؤالات زیادی در ذهن شاگرد

ایجاد شود.

مثلاً: فرض کنیم می خواهد معلمی درباره برق ، الکتریسیته صحبت کند اون نمی آید

که بگوید برق چیه ؟ الکتریسیته چیه؟ می آید چراغ رومیزی کلاس را جوری

سازماندهی کرد . دارای پرده همیشگی است و با یک لامپ رومیزی این روشن

می شود . البته لامپهای کوچک دیگر در کلاس هستند .

معلم به لیستها نگاه می کند یک مرتبه لامپ کلاس می ترکد یک موقعیت نامعین .

کلایس تاریک یا نیمه تارک می شود . بچه ها سر را بلند می کند . چی شده حتی به طنز

ممکن است ، بقول یکی از معلمان بزگوار می گوید ، یکی از شاگردان به دوستش می گه

خنگه مگر نمی بیند لامپ منفجر شد .

راستی بچه ها لامپ چیست و جریان الکتریسیته چیست ، اصلاً چرا لامپ منفجر شده

در چه چیزی در کلاس ایجاد می کند .

یا معلم دیگری در علوم اجتماعی درس آن وظایف شهرداری است ، نمی خواهد

بگوید من وظایف شهرداری را می خواهم درس بدهم موقعیتی ایجاد کنم می آید یا یک

حلقه فیلم قسمتی از شهر را که نارسایی دارد مطرح می کند با مصاحبه کوچک از مردم

می کند بعد روی می کند . در آن محله تان که شما در آن زندگی می کنید چه مشکلاتی

دارد . آن جلسه را با بچه شروع می کند به بحث کردن .

و هر گروهی از بچه ها مشکلات شهرستان را یادداشت می کند و معلم اینها را یادداشت می کند و حتی ممکن است زمانی بگذرد که بچه ها دقت بیشتری کنند. از اطلاعات محلان را طرح می کنند روی تابلو می نویسند در کلاس.

مرحله دوم:

مرحله دوم سؤال معلم نه راستی بچه ها حل مشکلات به عهده کیست؟ پس مرحله اول طرح مسأله یا ایجاد یک موقعیت سؤال برانگیز یا جدید نامعین یا متضاد.

در مرحله دوم بحث تبادل نظر است. در مورد آن مسأله، این مشکلات مال کیست؟ ممکن بچه ها در کلاس مطرح کنند و بحث کنند گروهی عکس است بگذارید وظیفه استانداری، فرمانداری، گروهی می گویند وظیفه شهرداری چیست؟ حرفها مختلفی بچه ها می گویند، معلم همه اینها را می نویسد و می گوید بچه ها اینها را می گوید جزو وظایف آنها است مطمئنید یا خیر می گویند نه خیر می گوید برای اینکه شما بتواند دقیق پیش بینی کنید یا مثل همان لامپ علت چیست: هر کدام دلایل را می گویند. آیا این دلایلی را که شما می گویند: مطمئن هستید.

بچه ها: نه خانم یا آقا همین جوری می گوئیم .

می گوید: بارک ... همیم خوب، اشکالی نداره ، حالا آمدید پیش بینی کردید این پیش بینی را فرضیه سازی گویند . راه حلی که شما دارید پیشنهاد می کنید. علتی را که دارید می گوئید ولی هنوز اثبات نشده است بچه ها را در این جلسه می توانید گروه بندی کنید ، هدایت کنید بطرف فعالیت خیل خوب.

حالا می توایند از کتابخانه ، از افراد، از هر جای کتاب درسی تان مطالعه کنید و پیدا کنید این وظایف این نارسها را پیدا کنید که می گوید کوجه برق ندارد، وظیفه کیست؟ بچه ها را به کتابها و افراد رجوع می دهد به عنوان یک محقق، اینجا در واقع کمک می کند به آزمایش فرضیه. اطلاعات را جمع آوری می کنند و وقتی اطلاعات را جمع آوری می کنند گروه وارد کلاس دورهم می شوند . اطلاعات را روی هم می ریزند و مشورت می کنند. بعد معلم از اینها می خواهد که نماینده گروه بیاید در کلاس بگوید اطلاعاتی که بدست آورد .

مثلاً یکی می گوید این وظیفه شهرداری است.

چرا؟ من فلان کتاب را خواندم. منابع را اشاره می کند. با ذکر منابع.

بعد بحث می کند ممکن است عده ای رد می کنند نه خیر آقا، این منبع ضعیف است.

بچه ها کاملاً در چالشند درباره مسأله ای که معلم برایشان ایجاد کرده. در اثر این بحث

و تبادل گروهی در کلاس همه، کلاس با هم در نهایت آن نظرات که درست است و

جزو وظایف شهرداری وقتی به قوانین شهردار اشاره می کند حتی مسؤلیتها، جمع بند

می شود.

همین جاست که گاهی اوقات ممکن است که دانش آموز بگوید خانم معلم اگر جز

وظایف شهرداری است، چرا شهردار نمی آید این کارها را انجام نمی دهد.

معلم نمی آید از خودش بگوید که چرا؟ دلیل بیاورید. چرا از من می پرسید از شهردار

پرسید.

این سناریوی هست که دقیقاً در یک کتابهای غربی دقیقاً مطرح شده در زمینه آموزش

مسأله. میگویند خانم شهردار از کجا می گوید معلم توسط؟؟؟ می زندبه اداره آموزش

و پرورش تان شهردار را دعوت کنید که بایید. دو سه تا از بچه ها نماینده می شوند

دنبال قضیه کار شهرداری بر او دعوت کنند در موضع یک مسأله اجتماعی است.

شهردار دعوت می شود و بچه ها دونه دونه معلم هم این طرف آنها را تشویق می کند هستند صحبت کنید ، هدایت تهیه کننده و فیلم تهیه کنند و مطالب خودتان را مطالعه کنند.

شهردار همه اینها را گوش می دهد ، بقول نویسنده بعد می گوید: عزیزان من بله این وظایف من است و در آیین نامه و در قانون اساسی و شرح وظایف است . ولی من فرصت پیدا نکردم و محدودیت دارم .

یک دفعه دانش آموزی بلند می شود. « آقای شهردار اگر شما توانایی این کار را ندارید بگذارید کسی دیگر این وظایف را انجام بدهد .»

بقول نویسنده کتاب شهردار آنچنان عصبانی می شود که مدرسه را ترک می کند ولی بچه ها همچنان مصمم ، چرا شهردار این جوری کرد . چه وظایفش را انجام نمی دهد.

معلم می گوید من اینجا نه تنها در کتاب درسی ، من وظایف شهرداری را یاد دارم بلکه بچه شهروند فعال ترتیب کردن شهروند که هرگز یادش نمی رود وظیفه شهردار چیست و می تواند در سرنوشت خود دخالت کند .

این نمونه ای از یک الگوی یا روش مسأله محور است پس مسأله همان چیزی که اشاره شد.

www.kandoo.cn.com

طرح مسئله با شیوه های مختلف :

با ایجاد سؤال با نشان دادن یک فیلم کوتاه با ایجاد یک بحث گروهی جتی نشان داد چند اسلاید می توانید معلم این موقعیت را ایجاد کند .

بعد بچه ها بحث می کنند مطالعات مقدماتی را انجام می دهند. علتها را برخورد به اصلاح مطرح می کنند و بعد راه حل های راه و فرضیه می سازند .

بعد به دنبال فرضیه می روند اطلاعات جمع آوری شده را تجزیه و تحلیل می کنند و در نهایت نتیجه گیری .

سؤال: آیا این روش در کلاس ما درس ما قابل عمل هست؟

به هیچ وجه.

شما باید اولاً فرهنگ جامعه را البته من یک نمونه را که خودم اجرا کردم و در همان مناطقی که در تهران انجام دادم در زمینه اجتماعی ما مشکل داریم . به عنوان نمونه من مبحثی است در کتاب چهارم علوم بچه های چهارم ابتدایی ، به نام نو و بازتاب آن این

www.kandoo.cn.com

را من سناریوی نوشتم . از معلمیم خواهش کردیم آنهایی که با من کار آزمایشی می کردند و گفتم این فصل را در چند جلسه درس می دهیم . ایشان به من گفتند در سه جلسه گفتم من همین سه جلسه را وقت می گیرم نه زیاد ولی دلم می خواهد براساس سناریوی که من نوشتم حرکت کنید اشاره کردم که شما اصلاً نگویند من می خواهم نور و بازتاب را بگویم.

گفتم: « دو تا آینه تخت برایم بیاورید بعد خود کتاب آنها را نگاه کردم در آخرش تمرینهای داده بود جالب بود برای من .

کلمه آمبولانس را وارونه روی مقوا بنویسید و جلوی آینه بگیرید این که وارونه می شود رحمت خوانده می شود من از همین اشاره استفاده کردم.»

گفتم بچه دو تا آینه تخت بیاورند یک دانه مقوا بنویسید که حتی یکی از معلمان مدرسه به ما کمک کرد تا این کلمات را نوشتم

گفتم بچه امروز می خواهم بازی را شروع کنیم در این کلاس علوم . آمبولانس را هم مستقیم نوشته بودیم همه وارونه .

گفتم اول این وارونه را بخوانید . تعدادی از بچه ها نتوانستند بخوانند گفتم حالا می خواهیم ، کاری کنم که شما راحت بتوانید بخوانید . یک آینه بیاورید. گفتم بگیرد

جلوی آینه بقیه که پشت بودند گفتم بخوانید بعد آن نوشته معمولی است گفتند آقا چرا این جوری شد . گفتم من نمی توانم ؟؟ .

بچه ها : این توشته وارونه بودید.دیدیدی که راست شد، مگر شما وارونه بودید ؟
ممکن است برای من و شما راحتی است استدلال همه یک مرتبه آقا راست می گوید
یک ؟؟؟ شد در کلاس

آقا ما که وارونه نبودیم .ما که درست بودیم . چرا این جوری است. همین جا اولین
مسأله ایجا شد ؟؟ چرا از ما می پرسید شما هم در کتاب درسی تان فلان فصل ؟؟. ما
یک دو تا مجله آوردیم در این کلاس مدرسه اصلاً کتابخانه نداشت.

گفتم از هر معلمی می توانید پرسید از هر کتاب می توانید استفاده کنید ولی تا هفته
آینده به شما فرصت می دهم . واقعاً آن جلسه آنچنان بحث بود هر جلسه اول برای
همین مسأله هر کسی حرف می زد ما می نوشتیم و بعد خیل خوب این پاسختان را
می پذیریم.

شما باید دلیل بیاورید برای من از کتاب گفتید از چه منبعی گفتم .

اما بچه ها هفته دوم قرار بود بروند مطالعه کنند از کتاب خودشان گرفته یا هر کتاب دیگری از هر کس می تواند بنویسید ولی بنویسید و بگوید از چه منبعی استفاده کردند.

هفته بعد این بود که بچه ها باز گروهی جمع شدند، با هم مشورت می کردند روی مطالعات و نوشته هایشان و بعد هر گروه ناچار بود یک گزارش نهایی گروه را تهیه کند و در کلاس ارائه بدهد و باور کنید وقتی من نگاه می کردم این عبارت همگرایی، فعالیت و مشورت کردن را گاهی اوقات باید یکدیگر بحث می کرد مثل بحث گروهی .

در جلسه سوم آمدیم این گزارشات را اعلام مطرح کردیم . خیلی از گروهها اشتباه رفته بودند یکی از گروهها برایم جالب بود. یک گروهی از بچه ها دو نفر از اینها کتاب فیزیک سال سوم دبیرستان را برداشتند مطالعه کردند مفسر گزارش می کردند یکی باباش دبیر فیزیک بود .

گفت بابام : آنچنان قشنگ استدلال کردند و حرفهایی که من می بایست در کلاس می گفتم خود بعدها توضیح دادند . بحث کردیم . کدام نفر درست است . چرا درست . ایشان می گوید از منبع پرسیدم که منبع مو؟؟ نیست .

بعد نشستند گزارش کردند، گزارش نهایی در کنار این، من سؤالات دیگری کردم و گفتم این سؤالات را پیدا کنید.

باور کنید من وقتی این کتاب علوم را نگاه می کردم بعضی آنچنان خواننده و زیر آن را خط کشیده بودند که صفحات پاره شده بود. من هرگز ندیده بودم بچه ها آنقدر مطالعه داشته باشند.

می شود در بعضی از زمینه ها، بله در زمینه های اجتماعی ممکن است ما محدودیتهای

داشته باشم

ما در زمینه های تاریخ و تعلیمات اجتماعی مشکل داریم چون شاید به بعضی از؟؟ برخورد. اگر این؟؟ صورت می شد.

ولی در زمینه علوم می توانیم این کارها را انجام دهیم

این نمونه یک الگور یک مسأله محور است من عرض کردم. خودم؟؟ این را کار

کردم. بعد در سراسر تهران اجراء کردم.

این تاره یک از درسها بود خیلی از درسها دیگر را بر همین اساس البته برای علوم طراحی کردم . من قبول دارم شرایط آموزشی کشورمان فعالیت آنقدر مطلوب نیست . نه معلم محقق باحوصله ای داریم ، نه امکانات کتابخانه و آزمایشگاه داریم که بچه ها را هدایت ، نه زمان کافی داریم . ؟؟؟ است ولی یک شیوه ای است فعال این یک روش مسأله محور است، فوق العاده خوب است شاگرد را محقق به بار می آورد با علاقه فعالیت می کنند بعضی از این شیوه ها را به عنوان روش واحدها که در عین کتاب مهارتها ذکر شد اشاره می کنیم که روش واحدها چیه؟

شما اخیراً به شما عزیزان شنیدید درست گروه برنامه ریزان ما سیمیناری تشکیل دارند.

تحت عنوان برنامه ریزی توافقی . « این تگرتند »

یک بحثی ما داریم که آیا؟؟ ما در مدرسه ما کتاب تاریخ داریم جغرافیا داریم ریاضی داریم همه درسها جدا جدا .

آیا نمی شود که بعضی ار درسها را تلفیق کرد؟ بصورت محوری یا هسته ای به قول بعضیها .

مطالعات هسته ای اینها را مطرح کرد.

در گذشته عده‌ای هستند که روش واحدی را مطرح می‌کنند. حالا روش واحدی چیست. هر گاه ما یکسری از فعالیتها را در رشته های مختلف حول یک محور مورد مطالعه قرار دهیم روش محور نامیده می‌شود.

سه نوع روش واحد هم داریم. روش واحد موضوع داریم، مثل در مورد تاریخ است ولی من در تاریخ هنر هم می‌توانیم. غیره ادبیات هم می‌توانم درس بدهم و روابط اساسی می‌تواند درس بدهم.

چگونه: مثلاً فرض کنید زندگی در دوران صفویه، زندگی در دوران صفویه محور فعالیت من است، حالا ممکن است زندگی در دوران صفویه از نظر معیاری زندگی صفویه در گروه دیگر به عنوان مذهب.

زندگی دوران صفویه ممکن به عنوان روابط خارجی با چه کشورها؟ جنبه های مختلف، بچه را گروه بندی کنند. مطالعه کنند اما حول یک محور.

یادگیری هم هنر است هم ادبیات و اقتصاد و سیاست. حول یک محور، یادگیری اینجا خیلی غنی تر است تفکیک شده از هم نیست

این را می‌گوییم به اصلاح واحد موضوع. گاهی اوقات واحد تجربی می‌گوییم واحد تجربی چیست؟

فرض کنید شاگردان من در یک کلاس بحث می کنند و در یک زمینه تجربه دارد
مخصوصاً در سطوح بالاتر .

ی

ک دانش آموز فرض کنید تجربه کشاورزی دارد. یک زمینه مطالعات روی آب دارد
آن را محور قرار می دهم . اساس کار این است.

در اولی هم موضوع را معلم تعیین می کند و هم هدایت موضعی با آن است .
در واحد تجربی خود واحد موضوع را شاگرد تعیین می کند، چون اساس کار و علاقه و
رغبت شاگرد باشد.

بعد اجراء را خودش انجام می دهد . معلم همکاری و راهنمایی می کند . می آید در
زمینه آب یک سابقه ذهنی

یا در مورد کشت گندم . این سابقه دارد اطلاعات دارد به عنوان یک تجربه سازماندهی
می شود فردی یا گروهی این کار انجام می دهد . مطالعات می کند تحقیقات انجام
می دهد.

مثلاً اگر این آب باشد تنها کشیرانی نیست ترکیبات نسبت فعل و انفعال آب از نظر
شیمیایی نسبت به آلودگی آب، اثر آب در زندگی، اثر آب در سد است، اثر آب در

روابط، یک مرتبه دانش آموز تجربه‌ای که در این زمینه داشت. حالا وادارش کردند این حوزه دانش آموز را حول این محور باز گسترش بدهد.

فرق او با اول این است که انتخاب موضوع باز بعهدده خود دانش آموز است من این را خودم در کلاس‌های ابتدایی در بعضی از مدارس آمریکا بود که روی بقیه انجام داد. کدام حیوان را مطالعه کنید. چه قسمتی را مطالعه کنید بچه‌ها مسائل خودشان را مطرح می کردند. اما شکل دیگری از واحد وجود دارد و آن پروژ است. واحد پروژ چیست. در اینجا نه تنها در زمینه تجربی، علاقه رغبت و تمایل فرد بر این است. هم زمینه را قبلاً کار کرد و هم شاگرد موضوع را انتخاب می کند

هم زمینه علمی را دارد و هم خودش نظارت دارد. معلم فقط ارزیاب است در نهایت ارزیاب می کند کار خوب شده یا نه.

مثلاً پروژه کاشت چغندر در اطراف قم. آیا می شود این کار را کرد این پروژ را انتخاب می کند فرد دانشگاه می رود این را انتخاب می کند و اجراء می کند و هر؟؟ وقت معلم به عنوان ارزشیابی یا در نهایت محصول و نتیجه بدست آمده را به عنوان نتیجه پروژه در سطوح بالا این هم موضوع دارد در پشش دبستانی‌ها هم می توانیم انجام

دهیم.

مثلاً امروز کار کردن با گِل است امروز واحداً پروژمان گِل سازی است. بچه ها با همه با هم کار می کنند در این زمینه نقش معلم نقش راهنما است. این هم بار روشهایی است که امروز در دنیا توصیه می کنند می شود در حول فعالیتهای بچه ها سازماندهی شود و روز به روز دارد شکل می گیرد و تحت عنوان «اینترتید کریکروم».

برنامه ریزیهای تلفیقی شد و وحدت یافته می گویند هم عمیق مطلب بیشتر است هم میزبان یادگیری قوی تر است.

اما محدودیت که امکانات زیاد می خواهد. معلم به اندازه کافی آگاه است با روش تحقیق می خواهد و امکانات مطلوب و زمان باز برای اجرای پروژه .

و نکته دیگری که می شود اشاره کرد ما نمی توانم خیلی گسترش بدیم ناچاریم درباره یک موضوع خاص من فقط اشاره کنم.

همین سیستمی که دانشگاه انگلیس، استرالیا یا اقمارشان در پایان نامه ها یا کار دکتر یا انجام می دهند آنها واحد ندارند یک موضوع دانشجو انتخاب می کند و در تمام دوره

روی آن موضوع کار می کند و طرحش را می دهد با یکی از روشهای است تحت

عنوان مسأله محور یا در قالب روشهای نوین در دنیا امروزه کاربرد دارد.

یکی از روشهایی است که بر محور شاگردی فعالیتها پیش شکل می گیرد نه بر پایه

فعالتهای معلم

موفق باشید.

باز این هم یک نگاهی کوتاهی بود بر یکی از روشهای نوین آموزشی .

منبع:

WWW.IRIB.IR/TV